فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی
سال هفتم، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۹۳
صفحات ۶۳۵-۶۶۳

قوانین و مقررات احتیاطی در نظام بانکداری اسلامی؛ با تأکید بر مدیریت ریسک و استانداردهای کمیته بال

لیلا محرابی *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۰۸

چکیده

در این مقاله با توجه به طبیعت متفاوت سپرده‌های سرمایه‌گذاری، روش‌های تأمین مالی و ریسک‌های فعالیت بانکداری منطبق بر شریعت نسبت به بانکداری متعارف، با تأکید بر معرفی انواع ریسک‌ها و مدیریت آن در نظام بانک‌داری اسلامی به شناسایی و چگونگی تطبیق و اجرای استانداردهای مقرراتی و نظارتی بین‌المللی برای بانک‌های اسلامی خواهیم پرداخت. در پایان نیز بر مبنای استانداردهای کمیته بازل برای نظارت بانکی، سه اصل کفایت سرمایه، فرایند بازرسی (بررسی نظارتی) و نظم بازار را به عنوان چارچوب جدید و قابل کاربرد در بانک‌های اسلامی معرفی خواهیم نمود.

واژه‌های کلیدی: بانکداری اسلامی، نظارت، مقررات احتیاطی، مدیریت ریسک.
طبقه‌بندی JEL: G21، G28

* پژوهشگر، گروه بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی؛ l.mehrabi@mbri.ac.ir

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

۱ مقدمه

از زمان‌های گذشته، مسلمانان جهت تأمین منابع فعالیت‌های مالی و رفع نیازهای مصرف‌کنندگان به تأسیس نهادهای مالی بدون بهره می‌پرداختند. عمده فعالیت‌های این نهادهای مالی براساس مشارکت در سود و زیان از جمله عقود مضاربه و مشارکت بوده و تأمین مالی مصرف‌کنندگان و هزینه‌های بازرگانی از طریق وام‌های بدون شرط مبلغ اضافی در قرض انجام می‌شده است. درواقع، شکل امروزی بانکداری که بیش از ششصد سال از پیدایش آن می‌گذرد، ابتدا به صورت مؤسسه‌های مالی ساده و با معاملات محدود در کشورهای اروپایی آغاز گردید و سپس همزمان با گسترش معاملات بانکی، از نظر کمی و جغرافیایی نیز توسعه یافت، به‌طوری که در قرن گذشته وارد همهٔ کشورها از جمله کشورهای اسلامی گردید. از حدود پنجاه سال پیش اندیشمندان مسلمان تلاش نمودند تا با حفظ بانک، معاملات آن را بر اساس تعالیم اسلام تعریف کنند، بطوری که نوع دیگری از صنعت بانکداری به نام بانکداری بدون ربا یا بانکداری اسلامی متولد شد و به سرعت در کشورهای مسلمان گسترش یافت، به طوری که امروزه در غالب کشورهای اسلامی و حتی برخی از کشورهای غیرمسلمان، بانک‌های بدون ربا حضور جدی دارند و در برخی از کشورها چون ایران و سودان کل نظام بانکی بر اساس بانکداری بدون ربا طراحی شده است.

نهادهای مالی تنها محدود به بانک‌ها نمی‌باشند بلکه طیف وسیعی از نهادهای ارائه دهنده خدمات و واسطه‌گری میان عرضه و تقاضاکنندگان انواع مختلف خدمات را در برمی‌گیرد. در حال حاضر بازار خدمات مالی در سه مجموعه پایه‌ای مشتمل بر نهادهای سپرده‌گذاری (مانند بانک‌های تجاری، شرکت‌های مالی، شرکت‌های پس‌انداز و وام و اتحادیه‌های اعتباری)، نهادهای پس‌انداز قراردادی (مانند شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی) و واسطه‌های سرمایه‌گذاری (مانند صندوق‌های متقابل و مدیریت وجوه) طبقه‌بندی می‌گردد. به‌طور کلی، رشد نهادهای مالی اسلامی در طول زمان با نوسانات زیادی مواجه بوده است. از سوی دیگر، تأسیس بانک‌های تجاری اسلامی همزمان با تأسیس بانک‌های سرمایه‌گذاری اسلامی، شرکت‌های تکفل اسلامی و صندوق‌های متقابل اسلامی بوده و با توجه به آنکه کارایی و ثبات کافی در نظام مالی و پرداخت‌ها وجود نداشت، لذا برای مدت زمان زیادی تنها یک نوع نهاد یا بخش، ارتباطات درونی میان نهادها و بخش‌های مختلف را برعهده داشت. (مشکین، ۱۹۹۵، صص ۳۸-۴۰)

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

به‌طور کلی، روند تغییرات بانکداری محدود به تنوع نهادهای مالی نبوده بلکه روش‌های تأمین مالی را نیز دربرمی‌گیرد. از این‌رو، عوامل مورد نیاز جهت تحول در روش‌های تأمین مالی عبارتند از: (چپرا، ۲۰۰۱: صص ۸-۹)

- چارچوب قانونی بانکداری در بسیاری از کشورهای مسلمان همچنان تحت کنترل قوانین و چارچوب بانکداری متعارف (بازار مالی بین‌المللی) بوده که در نتیجه تطبیقی با روش‌های اسلامی ندارد.
- عقود مشارکت در سود و زیان به دلیل نرخ بازدهی مثبت یا منفی و وابستگی به درآمد نهایی حاصل از کسب و کار تأمین مالی شده، دارای ریسک بیشتری هستند. به‌طوریکه درصورت بروز ضرر، امکان کاهش در میزان سپرده‌های سرمایه‌گذاری شده وجود دارد، لذا این امر منجر به کاهش تمایل سپرده‌گذاران می‌گردد. این در حالی است که در بانکداری متعارف تضمین کل سپرده‌ها امکان‌پذیر، نرخ بازدهی مثبت و دارای ریسک کمتری می‌باشد.
- ایجاد رقابت بانک‌های اسلامی با بانک‌های متعارف زمینه‌های تحول در روش‌های مبتنی بر شریعت را به‌وجود خواهد آورد.

نظام اسلامی در تلاش است تا این نظام را از طریق مشارکت بانک‌ها در ریسک‌های شرکای مقابل و سپرده‌گذاران، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در ریسک‌های فعالیت بانکداری شناسایی نماید. این چنین مشارکت در ریسک‌ها باعث تحریک سپرده‌گذاران به انتخاب دقیق بانک‌ها و درخواست شفافیت بیشتر در اطلاعات بانک‌های انتخابی خود خواهد شد. این مسئله همچنین باعث تعهد و دقت بیشتر بانک‌ها در ارتباط با تجزیه و تحلیل اعتبارات شرکای مقابل خود در قبال پروژه‌های پیشنهادی جهت تأمین مالی، ایجاد ارتباط بلندمدت نزدیکتر با آنها، ارزیابی مؤثر و مدیریت ریسک‌ها خواهد گردید. این ارزیابی دوگانه ریسک‌ها توسط شرکای مقابل و بانک‌ها، کمک بیشتری به معرفی یک نظام سالم در کل فعالیت‌های بانکداری و حذف شیوه‌های نامطلوب وام‌دهی خواهد کرد.

۲ فرضیات و طرح پرسش

معرفی نظام نظارتی در شبکه مالی اسلامی، سپرده‌گذاران را در معرض ریسکی قرار می‌دهد که در بانکداری متعارف این گونه نیست. بنابراین باید منفعت سپرده‌گذاران حفظ شود که این مهم از طریق یک شبکه نظارتی کارا امکان‌پذیر است. فعال‌ترین نهاد بین‌المللی درگیر نظارت بانکی، کمیته بال (بازل) است که مسئولیت تدوین استانداردهای بانکداری سالم را به عهده دارد و مقررات متعددی را در قالب اصول چندگانه برای راهبری بهتر بانک‌ها

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

تدوین نموده است. از این‌رو، طبیعت متفاوت سپرده‌های سرمایه‌گذاری، روش‌های تأمین مالی، ریسک‌های فعالیت بانک‌داری منطبق بر شریعت و نحوه مدیریت آن نسبت به بانک‌داری متعارف، در شناسایی و چگونگی تطبیق و اجرای استانداردهای مقرراتی و نظارتی بین‌المللی برای بانک‌های اسلامی از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشند.

سؤالات اصلی این مقاله عبارتند از:

۱) طبیعت و میزان استانداردهای مقرراتی و چارچوب نظارتی چگونه است؟
۲) مهم‌ترین ریسک‌های نظام بانکداری اسلامی (عقود مختلف) و مدیریت آن چگونه است؟
۳) آیا کلیه استانداردهای مربوط به چارچوب بازل برای بانک‌های اسلامی لازم و قابل اجرا است؟

۳ روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این مقاله کتابخانه‌ای بوده که با مطالعه ساختار اصلی نظام نظارتی بانک‌های اسلامی در کشورهای مختلف، به بررسی انواع ریسک‌ها و مدیریت آن در بانک‌های اسلامی و چگونگی تطبیق استانداردهای چارچوب بازل در نظام بانکداری اسلامی می‌پردازد.

۴ پیشینه تحقیق

در زمینه نظارت و مقررات در نظام بانکداری اسلامی با توجه به ویژگی‌ها و ریسک‌های خاص آن، پژوهش‌ها و مطالعات اندکی وجود دارد. اکثر مطالعه‌های انجام شده در موضوع‌های مشابه شامل کلیات نظارت بانکی، مقررات نظارتی کمیته بال در اقتصاد جهانی و چالش‌های نظارتی می‌باشد. در این میان می‌توان به پژوهش موسویان و دیگران (۱۳۹۱) اشاره نمود. آنها در این پژوهش، به ارزیابی و تحلیل تجارب کشورهای گوناگون (اسلامی و غیراسلامی) در رابطه با قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای بانکداری اسلامی پرداخته و تلاش می‌کند تا ضمن مقایسه جامع این الگوها، تشابهات و تفاوت‌های آن‌ها را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد و راهکارهایی به منظور حل چالش‌های موجود ارائه دهد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که راه‌اندازی الگوی نظارت شرعی در نظام بانکداری بدون ربا در کشور، امکان‌پذیر بوده و می‌تواند منافع مشخصی به همراه داشته باشد که یکی از آن‌ها ارتقاء سطح اسلامی بودن عملکرد نظام بانکی می‌باشد.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

یکی دیگر از مطالعات انجام شده در این زمینه کاربرد نظارت در بانکداری اسلامی خصوصی است که مهدوی نجم‌آبادی در سال ۱۳۸۰ انجام داده است. در مطالعه مذکور پس از بیان مفهوم نظارت، انواع نظارت بر عملیات بانک‌ها معرفی می‌گردد. وی معتقد است که شیوه رفتاری در محیط بانکداری اسلامی قطعاً با شیوه رفتاری در محیط بانکداری کلاسیک یا ربوی تفاوت فاحش دارد و مالکیت بانک اسلامی، اعم از دولتی و خصوصی می‌تواند در برخی از اهداف بانک اسلامی و یا شیوه‌های رفتاری شکلی در عملیات بانکی اسلامی مؤثر باشد.

در پژوهش انجام شده توسط فرجی (۱۳۸۸) با عنوان تغییر در ساختار نظارت بانکی کشور سعی شده به طور خلاصه ضمن بیان نقش نظارتی بانک مرکزی به اهمیت نظارت در صنعت بانکداری، نقش سایر سازمان‌های ناظر بر امر نظارت بر فعالیت بانک‌های ایران و مشکلات موجود در این زمینه، اشاره شود. وی پس از آشنایی با موضوع اهمیت نقش نظارت در ایران و جهان، نهادهای ناظر بر فعالیت بانک‌ها در عرصه بانکداری جهانی، نقش فدرال رزرو، چگونگی مقررات حاکم و نظارت بر مؤسسات مالی در کشورهای (pGCC) و بانک انگلستان و سایر نهادهای ناظر در امر نظارت بر بانک‌های آمریکا و انگلستان را مورد بررسی قرار می‌دهد. سپس به لزوم وضع سیاست‌های پولی و نظارت در قالب یک نهاد و یا دو نهاد مجزا بررسی و مزایا و معایب نظارت بانکی به وسیله بانک مرکزی را مطرح و در نهایت برای بهبود وضعیت نظارت بر حوزه صنعت بانکداری کشور ساختار نظارتی جدیدی ارائه می‌دهد.

مطالعه هرورانی (۱۳۸۸)، به بررسی چارچوب بازل و مباحثی پیرامون تنظیم و نظارت در بانکداری اسلامی می‌پردازد. وی پس از بیان ویژگی‌های نظام مالی اسلامی به ارائه مطالبی پیرامون مقررات احتیاطی در شبکه بانکی، شفافیت، بیمه سپرده، چارچوب بازل و غیره می‌پردازد. هدایتی (۱۳۷۴) نیز در تحقیق خود با عنوان نقدی بر مقررات ناظر بر نظام بانکی به بررسی مسایل اساسی فراروی نظام بانکی کشور حول سه موضوع مختلف پرداخت. وی ابعاد نظری و جنبه‌های کاربردی قوانین و مقررات ناظر بر نظام بانکی، چالش‌های موجود و تدوین قانونی یکپارچه و منسجم را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

قاسمی (۱۳۸۸)، در مقاله نظارت بانکی و راهکارهای کارآمدکردن آن، مسایل بانکی را از منظری کارشناسانه و در چارچوب مدیریت ریسک بررسی می‌نماید. وی نشان می‌دهد که نقش بانکداری مرکزی و نهادهایی که وضع مقررات بانکی و همچنین نظارت بر مؤسسات پولی و بانکی را به عهده دارند، با پیچیده‌تر شدن بازارهای پولی و بانکی، ابعاد گسترده‌ای می‌یابد و به این نتیجه می‌رسد که توجه به نظارت مبتنی بر ریسک و تقویت نظارت

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

غیرحضوری در کنار نظارت حضوری توسط بانک مرکزی، باعث تقویت و استحکام ملی و پولی کشور گردیده و طبعاً نتایج این رویکرد جدید در افزایش سلامت مالی و انضباط در بانک‌های کشور مؤثر خواهد بود.

عمر چپرا (۲۰۰۰)، در مقاله‌ای با عنوان مقررات و نظارت بانک‌های اسلامی، با اشاره به چارچوب مقرراتی و نظارتی در سطح جهانی، انواع ریسک‌های و روش‌های مدیریت آن‌ها را در نظام بانکداری اسلامی معرفی می‌کند و سپس به ارائه مباحثی پیرامون مقررات بانک‌های اسلامی و مسایل فقهی پیش روی آنها می‌پردازد.

در زمینه ریسک و مدیریت آن در نظام بانکداری اسلامی مطالعات متعددی انجام شده است. مانند موسویان و بیوکی (۱۳۸۸)، ابوالحسنی و حسنی مقدم (۱۳۸۷)، کدخدایی (۱۳۸۰)، بهرامی (۱۳۸۲)، عقیلی کرمانی (۱۳۸۱) و دیوید اچ.پایل (۱۹۹۷) که پدیده ریسک و مدیریت ریسک‌ها (نقدینگی، اعتباری و غیره) را در نظام بانکداری اسلامی مورد بررسی و چالش قرار می‌دهند.

مقاله حاضر تلاش دارد تا ضمن تکمیل و توسعه تحقیقات و مطالعات قبلی در زمینه مقررات و نظارت، با تمرکز بر تجربه کشورهای اسلامی در زمینه نظارت، مدیریت ریسک در بانک‌های اسلامی و شناسایی مهم‌ترین ریسک‌های مربوط به عقود مختلف اسلامی به ارائه کاربرد چارچوب بازل در بانک‌های اسلامی بپردازد.

۵ تعریف نظارت

به طور کلی می‌توان معنای لغوی نظارت را نظاره کردن، دیدن، ارزیابی کردن، ملاحظه‌کردن، تحت نظر و دیده‌بانی قراردادن و حراست کردن در نظر گرفت. (دهخدا، ۱۳۷۳). به لحاظ اصطلاحی نیز منظور از نظارت کلیه اقدامات و فعالیت‌هایی است که به منظور اطمینان از انطباق کامل آنچه در عمل اتفاق می‌افتد با آنچه که هدف‌گذاری شده است، صورت می‌پذیرد. البته واژگان دیگری معادل یا مترادف با نظارت استفاده می‌شود از جمله پایش و مراقبت که هر کدام تعریف خودشان را دارند. (نجم‌آبادی، ۱۳۷۹)

۶ نظارت و مقررات احتیاطی در نظام بانکی

بانک‌ها به واسطه نوع فعالیت خود، اساساً تمایل بسیار زیادی دارند که با سودجستن از اهرم‌های بالاتر به کسب و کار خود رونق بخشند. به عبارت دیگر از آنجا که جمع‌آوری سپرده از جامعه نسبت به آوردن سرمایه کاری سهل‌تر و در عین حال ارزان‌تر است، لذا تا جایی که می‌شود خواهان افزایش نسبت بدهی (شامل سپرده‌های اشخاص و سایر منابع

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

تأمین مالی) به سرمایه می‌باشند. از سوی دیگر، فعالیت اعتباری بانک‌ها به نحوی است که روی عرضه منابع پولی و اعتباری کشور تأثیر مستقیم دارد. بدین ترتیب، اولاً حفظ منابع صاحبان سرمایه که نهایتاً ریسک عملیات بانکی را متحمل می‌شوند، از ضروریات است. ثانیاً حفظ منافع پس‌اندازکنندگان ایجاب می‌کند عملیات بانک‌ها از لحاظ درست و مطلوب بودن نیز مورد بررسی قرار گیرد. از این‌رو، در صورت فقدان مقررات احتیاطی برای تنظیم و کنترل این فعالیت‌ها، بدیهی است که ریسک ورشکستگی در بانک‌ها افزایش و موجب زیان فراوان به منافع مالی جامعه می‌گردد. لذا، حمایت از نظام پرداخت‌ها در برابر بی‌ثباتی، ارتقاء کارایی عملیات بازار سرمایه و نهادهای مالی جهت افزایش توسعه، ضروری به‌نظر می‌رسد. لذا تعیین و نظارت قوانین کنترلی و احتیاطی، به دور از منطق نیست.

به‌طور کلی، نظام مقرراتی جهانی در حال حاضر به سه قسمت سنتی، پیوندی و نظام یکپارچه تقسیم‌بندی می‌گردد. در واقع فعالیت‌های بانک‌های تجاری و سرمایه‌گذاری، شرکت‌های بیمه و صندوق‌های متقابل به‌صورت سنتی مجزا از یکدیگر می‌باشد و هر گونه فعالیت‌های درون بخشی به منظور حمایت از صحت و سلامت هر بخش و افزایش نقش آنها در سلامتی نظام مالی، ممنوع می‌باشد. از این‌رو، هر خدمتی توسط اعضای خاص و متمایزی، نظارت و کنترل می‌شود. در مجموع تحولات مهمی در عرصه مقرراتی در کشورها و سازمان‌های مختلف به وجود آمده است. در حال حاضر، تقریباً کلیه کشورهای عضو IDB از این روش سنتی نظارت، پیروی می‌کنند و بانک مرکزی، اعضای نظارتی آن‌ها را تشکیل می‌دهد. اغلب کشورهای در حال توسعه و اخیراً ایالات متحده امریکا نیز با توجه به نیازهای خود از این رژیم پیروی می‌کنند. (همان: ۱۷)

نظارت بر عملیات بانکی جهت حصول اهداف مورد نظر، عملاً از سه طریق کلی صورت می‌گیرد. نوع اول: نظارت خود بانک بر عملیات داخلی آنها می‌باشد. نوع دوم: نظارت صاحبان سهام بر عملیات بانک و نوع سوم: نظارت بانک مرکزی بر عملیات بانک‌ها می‌باشد.

نظارت نوع اول، عملاً به عملیات حسابرسی محدود می‌گردد. صاحبان سهام برای اطمینان از عملکرد بانک در جهت حفظ منافع و حقوق خود به رسیدگی معمول حسابرسی در دوره‌های معین مبادرت می‌نمایند. با این نوع رسیدگی که در واقع می‌تواند نظارت صاحبان سهام تلقی گردد، صاحبان سهام، بانک را مقید به رعایت استانداردهای عمومی حسابرسی و همچنین ضوابط و مقررات پولی می‌نمایند. مسلماً، رعایت این استانداردها و ضوابط، به سلامت و امنیت بانک کمک مؤثری می‌کند. به‌علاوه گزارشات به موقع حسابرسان می‌تواند صاحبان سهام را از نحوه عملکرد مدیریت بانک مطلع کرده و

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

تصمیمات لازم را در جهت بهبود عملکرد و افزایش بهره‌وری و کارایی مدیریت بانک اتخاذ نمایند.

نظارت نوع دوم به ظاهر طبیعتی مشابه با نظارت نوع اول دارد. زیرا در این نظارت نیز هدف، افزایش بهره‌وری و کارایی بانک، رعایت ضوابط و مقررات بانکی و در نهایت کمک به سلامت و امنیت مالی در جهت اعتلای بیشتر سطح اعتماد عمومی بانک است. از این‌رو، رفتار ناظر در انجام نظارت، با رفتار حسابرس در انجام حسابرسی متفاوت دارد. زیرا بانک برای حصول اطمینان از انجام صحیح عملیات بانکی اقدامات متعددی را به عمل می‌آورد. عملیات بانکی دارای محدوده وسیعی می‌باشد و حجم هر یک از این عملیات نیز، از لحاظ تعداد و میزان عملکرد در سطح بالایی قرار دارد. به‌علاوه تعداد شعب اغلب بانک‌ها در سراسر کشور نسبتاً زیاد است و مقررات و ضوابط تدوین شده برای انجام امور، زیاد و پیچیده بوده و همچنین برداشت‌های متفاوتی توسط مجریان از این ضوابط و مقررات می‌شود. از سوی دیگر، عملیات بانکی ویژگی‌های دیگری (نظیر قدرت پول‌آفرینی) نیز دارد که دامنه عمل، وسعت و تنوع فعالیت بانک را افزایش می‌دهد. مجموعه ویژگی‌های مزبور، اهمیت و نقش حساس این نوع نظارت بانک بر عملیات خود را بیشتر می‌کند.

نظارت نوع سوم به نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری توسط بانک مرکزی اطلاق می‌شود. این نوع نظارت از فلسفه وجودی بانکداری مرکزی نشأت می‌گیرد و اصولاً با همه نظارت‌های متداول در خود بانک‌ها و به طور کلی مؤسسات اعتباری دیگر تفاوت دارد. در واقع نظارت بانک مرکزی، نظارت عالیه این بانک بر عملکرد سیستم بانکی است. (نجم‌آبادی، ۱۳۸۰)

عموماً مقامات نظارتی، بانک‌ها را بر اساس معیار CAMELS یا معیارهای مشابه رتبه‌بندی می‌کنند. به‌طوریکه در حال حاضر مالزی از جمله کشورهایی است که در بحث نظارتی از این معیار رتبه‌بندی پیروی می‌کند. حروف تشکیل دهنده CAMELS به ترتیب نماد کفایت سرمایه (Capital Adequacy)، کیفیت دارایی (Asset Quality)، مدیریت (Management)، سودآوری (Earning and Profitability)، نقدینگی (Liquidity) و ریسک بازار (Sensitivity to Market Risk) می‌باشد.

- نسبت کفایت سرمایه از تقسیم سرمایه پایه (Capital Base) به دارایی‌های موزون به ریسک (Risk Weighted Assets-RWA) به دست می‌آید. اشاره می‌نماید که مقررات دستورالعمل‌های مربوط به محاسبه سرمایه پایه و نسبت کفایت سرمایه قبلاً توسط بانک مرکزی به بانک‌ها ابلاغ شده است.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

- معمولاً کیفیت دارایی‌ها مترادف با کیفیت تسهیلات بانک به کار می‌رود. در حال حاضر، تسهیلات اعطایی بانک‌ها در دفتر کل در سه طبقه جاری، سر رسید گذشته و معوق قرار می‌گیرد. در طبقه‌بندی تسهیلات با رویکرد ریسک، تسهیلات در پنج طبقه به ترتیب زیر قرار داده خواهند شد: جاری (Current)، مراقب ویژه (Special Mention) زیر استاندارد (Sub-Standard)، مشکوک‌الوصول (Doubtful)، لاوصول (Loss).
- ارزیابی مدیریت عمدتاً از طریق بررسی موارد زیر صورت می‌گیرد:
  - نحوه رعایت مقررات توسط بانک (تعهدات زیر خط، ذخیره عام و خاص، وضعیت بازار ارزی، نسبت دارایی‌های غیرمنقول، تسهیلات کلان، تسهیلات اعطایی به مدیران، سهامداران و شرکت‌های تحت پوشش).
  - توانایی تکنیکی، رهبری و اجرایی مدیران ارشد.
  - نحوه ارتقای کارکنان.
  - کیفیت آموزش کارکنان.
  - ارزیابی سیستم کنترل داخلی با توجه به سایر بانک‌ها. -سیستم‌های کنترل ریسک.
  - کارایی سیستم اطلاعات و گزارش‌دهی.
- ارزیابی سودآوری بانک از طریق محاسبه نسبت‌های مالی مختلف مانند آنچه در زیر ملاحظه می‌گردد، صورت می‌گیرد:
  - نسبت تفاوت نرخ سود دریافتی از تسهیلات اعطایی و سود پرداختی به سپرده‌ها (Yield Spread).
  - نسبت بازده مجموع دارایی‌ها- (Return on Assets.ROA)
  - نسبت بازده حقوق صاحبان سهام (Return on.Equity-ROE)
  - نسبت درآمد عملیاتی به سود خالص (Revenue to Income-RI).
- ارزیابی نقدینگی بانک از طریق نسبت‌های زیر قابل انجام می‌باشد.
  - نسبت وجوه نقد، که حاصل تقسیم "جمع وجوه نقد" به "مجموع سپرده‌ها" می‌باشد.
  - نسبت نقدینگی، که از تقسیم"جریان ورودی وجوه+ خطوط اعتباری"به"جریان خروجی وجوه+خطوط اعتباری اعطایی"به دست می‌آید.
- در رابطه با ارزیابی ریسک بازار، اقداماتی مانند بررسی برنامه بانک در مواجهه با تغییرات نرخ ارز، نرخ بهره و سود از طریق مقام نظارتی انجام می‌شود. در اینجا این

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

اشاره لازم است که رتبه‌بندی بانک به صورت جزیی و کلی صورت می‌گیرد و دارای پنج سطح (رتبه یک، بهترین وضعیت و رتبه پنج، بدترین وضعیت) می‌باشد.

از این رو، اگر شیوه‌های نظارت بانکی را به دو بخش تطبیقی و مبتنی بر ریسک تفکیک نماییم. می‌توان اینگونه بیان نمود که در حال حاضر شیوه نظارت بر بانک‌ها در جهان از نظارت تطبیقی به نظارت مبتنی بر ریسک تغییر یافته است. بدین لحاظ بانک‌های مرکزی بازرسی و نظارت‌های مستقیم خود بر بانک‌ها را با استفاده از بررسی گزارش‌های مبتنی بر نظارت غیرحضوری اعمال می‌کنند. بدین ترتیب نظارت مستمر بر موقعیت مالی بانک‌ها از طریق تجزیه و تحلیل اطلاعات دریافتی از آنها به منظور شناسایی به موقع ریسک، پیش‌گیری از وقوع بحران‌های مالی احتمالی و انجام اقدامات اصلاحی جهت نیل به اهداف نظارتی صورت می‌گیرد. در جدول ۱، ویژگی‌ها و مشخصه‌های نظارت تطبیقی با نظارت مبتنی بر ریسک مورد مقایسه قرار گرفته است.

۷ نظارت در بانکداری اسلامی

اغلب مباحث نظارت و مدیریت ریسک در بانکداری متعارف، برای کشورهایی که به اجرای بانکداری اسلامی اقدام نموده‌اند (مانند ایران)، در اکثر موارد قابل استفاده می‌باشد. اما به هر حال در برخی موارد مسئله نظارت بر بانک‌های اسلامی به دلیل ماهیتی که دارد، ابعاد خاصی پیدا می‌کند و سپرده‌گذاران را در معرض ریسکی قرار می‌دهد که در بانکداری متعارف این گونه نیست. بنابراین باید منفعت سپرده‌گذاران حفظ شود که این مهم از طریق یک شبکه نظارتی کارا امکان‌پذیر است. (هرورانی، ۱۳۸۸، ص ۳۷). از این‌رو، می‌توان ریسک شریعت را این‌گونه تعریف نمود: «ریسک شریعت خطری است که نظام بانکی به دلیل عدم انطباق فعالیت‌هایش با اصول و قوانین شریعت مقدس اسلام، ممکن است با آن مواجه شود.». متناسب با این تبیین از ریسک شریعت، نظارت شرعی نیز به این صورت قابل تعریف است: «نظارت شرعی کلیه اقدامات احتیاطی و نظارتی به منظور اطمینان از انطباق فعالیت‌های بانک یا موسسه مالی اسلامی با اصول و قوانین شریعت مقدس اسلام می‌باشد. هدف از این نظارت در نهایت دستیابی به اقدامات، فعالیت‌ها، تدابیر، اصول و روش‌هایی است که به وسیله آنها بتوان ریسک شریعت در نظام بانکی و به طور خاص نظام مالی اسلامی را حداقل و ی کاهش داد. (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳).

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

جدول ۱
مقایسه نظارت تطبیقی با نظارت مبتنی بر ریسک

شیوه نظارت تطبیقی (سنتی)	شیوه مبتنی بر ریسک (نوین)
روش یکسان برای انواع مختلف بانک‌ها	انعطاف‌پذیری در انجام بازرسی و به عبارت دقیق‌تر طراحی روش نظارتی مختص هر بانک با توجه به ارزیابی‌های مستمر از ریسک‌های بانک، موقعیت مالی و عملکرد آن
ارزیابی عملکرد گذشته بانک	ارزیابی چشم‌انداز آتی بانک
واکنشی	پیشگیرانه
بدون برنامه‌ریزی قبلی و با رویکرد پایین به بالا	مبتنی بر برنامه‌ریزی قبلی و با رویکرد بالا به پایین
مبتنی بر ارزیابی اسناد و معاملات گذشته	تأکید بر کنترل‌های داخلی و حسابرسی داخلی مستقل بانک و در صورت وجود واحد برون‌مرزی و گزارش‌های ناظرین کشور میزبان
کاربر، وقت‌گیر و پرهزینه	صرفه‌جویی در منابع نظارتی (نیروی انسانی و زمان) و افزایش کارایی
گرایش به محدودکردن دامنه فعالیت‌های مجاز بانک	به بانک‌ها اجازه پذیرش ریسک تا جایی را می‌دهد که بانک ثابت کند توانایی مدیریت آن را دارد

یادداشت. منبع: اسدی‌پور، ۱۳۸۸

فعال‌ترین نهاد بین‌المللی درگیر نظارت بانکی، کمیته بال[1] (بازل) است که مسئولیت تدوین استانداردهای بانکداری سالم را به عهده دارد و مقررات متعددی را در قالب اصول چندگانه برای راهبری بهتر بانک‌ها تدوین نموده است. از مهمترین اقدامات کمیته بال تهیه و انتشار اصول پایه در نظارت بانکی کارآ و مؤثر و همچنین مقررات مربوط به کفایت سرمایه است. در این میان، هیأت خدمات مالی اسلامی (IFSB) و سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی (AAOIFI) از مهم‌ترین مؤسسات فعال در حوزه استانداردسازی نظارت شرعی به شمار می‌روند که اصلی‌ترین اهداف این مؤسسات، یکسان‌سازی و یا حداقل مشابه‌سازی تجربه نظارت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی و استخراج بهترین تجارب و

[1] این کمیته در سال ۱۹۷۴ تشکیل و مرکب است از نمایندگان ارشد بانک‌های مرکزی تعدادی از کشورهای عمده صنعتی دنیا از جمله: آلمان، انگلستان، ایتالیا، فرانسه، امریکا، سویس، سوئد، ژاپن، کانادا و لوکزامبورگ که معمولاً هر سه ماه یک بار توسط بانک تسویه‌های بین‌المللی به عنوان دبیرخانه دائمی آن در شهر بازل سویس تشکیل می‌گردد. به دلیل تشکیل جلسات مذکور در شهر بازل این کمیته به کمیته بازل معروف شده است. کمیته بازل دارای قدرت قانونی نیست، لکن اکثر کشورهای عضو بطور ضمنی موظف به اجرای توصیه‌های آن هستند.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

دستورالعمل می‌باشد. از این‌رو، در ادامه به معرفی این مؤسسات و بیان فعالیت‌هایشان و همچنین بررسی تجربه برخی از کشورهای اسلامی می‌پردازیم.

هیأت خدمات مالی اسلامی متشکل از مجموعه‌ای از بانک‌های مرکزی و سازمان‌های نظارتی است که مقر آن در کشور مالزی می‌باشد. این هیأت در سال ۲۰۰۲ میلادی با هدف تهیه استانداردها و رهنمودهای لازم برای تقویت سلامت و ثبات مالی در مؤسساتی است که خدمات مالی خود را در چارچوب احکام شرعی اسلام ارائه می‌دهند. وظیفه و کار ویژه این هیأت، تکمیل کردن استانداردها و اصول کمیته بال برای بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی می‌باشد. به عبارت دیگر این موسسه بخش‌های مرتبط با بانکداری اسلامی را به دستورالعمل‌های متعارف می‌افزاید. در این شرایط مؤسسات مال اسلامی می‌توانند در کنار استفاده از رهنمودهای بال، از رهنمودهای هیأت خدمات مالی اسلامی نیز بهره ببرند. (IFSB، ۲۰۰۹). به لحاظ محتوا، هیأت مذکور در یک دهه فعالیت خود توانسته است محصولاتی کاربردی برای مؤسسات مالی اسلامی را در قالب ۱۹ استاندارد، اصول راهنما و نکات فنی تولید نماید. یکی از استانداردهای منتشرشده توسط هیأت خدمات مالی اسلامی، اصول راهنمای نظارت شرعی برای مؤسسات ارائه دهنده خدمات مالی اسلامی است که شامل ۹ اصل راهنما در نظارت شرعی و پنج بخش می‌باشد که بخش اول کلیات نظام نظارت شرعی در یک بانک یا موسسه مالی اسلامی را مورد بحث قرار داده و اصول عمومی را که لازم است در تشکیل شورای شریعت در این دسته از مؤسسات رعایت شوند، بیان می‌کند. بخش دوم استاندارد به مقوله انتخاب اعضای شریعت پرداخته و به طور خاص به ارائه اصول مرتبط با وجود شایستگی در افراد منتخب اشاره می‌نماید. بخش سوم به مسئله استقلال عمل شورای فقهی پرداخته، بخش چهارم استاندارد را تشکیل می‌دهد و در نهایت بخش پنجم به مقوله وجود سازگاری در عملکرد شورای شریعت می‌پردازد. (موسویان، ۱۹۹۳)

سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی نیز در تاریخ ۲۷ مارس ۱۹۹۱ در کشور بحرین تشکیل شد. این سازمان موسسه‌ای بین‌المللی، غیردولتی و غیرانتفاعی بوده که تلاش می‌کند استانداردهای حسابداری، حسابرسی، حاکمیتی و اخلاقی برای بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی ارائه نماید که برخی از این استانداردها در کشورهای مختلف مورد استفاده بانک‌های مرکزی و مؤسسات مالی اسلامی قرار گرفته است. مهم‌ترین محتوای تولیدشده توسط این موسسه که در دو دهه اخیر به صورت سالانه و یا دوسالانه مورد

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

اصلاح و تکمیل قرار گرفته است، دو مجموعه می‌باشد که به ترتیب عبارتند از «استانداردهای شرعی برای مؤسسات مالی اسلامی»[1] و «استانداردهای حسابداری، حسابرسی و حاکمیتی برای مؤسسات مالی اسلامی»[2]. در این میان، هرچند تمامی استانداردهای ارائه شده در بخش استانداردهای حاکمیتی برای مسئله نظارت شرعی و استخراج شیوه صحیح اجرایی نمودن آن در نظام بانکی کشور دارای اهمیت است، اما استانداردهای اول و دوم آن که به ترتیب به مسئله «فرایند اجرایی تشکیل شورای فقهی» و «شیوه مناسب انجام نظارت شرعی» است از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد. لازم به ذکر است که برخلاف استانداردهای هیأت خدمات مالی اسلامی که بیشتر کلی بوده و اصول احتیاطی مرتبط با انجام نظارت شرعی در بانک‌های اسلامی را مطرح می‌نماید، استانداردهای AAOIFI جزئی بوده و تلاش می‌کند که به صورت موردی برای نظارت بر اکثر فعالیت‌هایی که یک موسسه مالی انجام می‌دهد، استاندارد ارائه دهد. (همان)

با وجود مسئولیت مؤسسات فعال در حوزه اصول و استانداردسازی نظارت شرعی برای بانک‌های اسلامی، حال این سؤال پیش می‌آید که آیا همه چارچوب بازل نیز برای بانکداری اسلامی لازم است؟

بانکداری اسلامی به گونه‌ای از بانکداری اطلاق می‌شود که در آن محیط، رفتارهای مربوط به هر یک از عملیات بانکی به‌شیوه‌ای است که نباید با موازین اسلامی تعارض داشته باشد. از سوی دیگر از آنجایی که سپرده‌گذاران سرمایه در ریسک شریک هستند بانکداری اسلامی نباید بیش از یک شرکت معمولی خود را در مقررات منحصر کند.

در سال ۱۹۸۸، کمیته بازل اقدام به تهیه استاندارد کفایت سرمایه نمود که بر اساس ریسک اعتباری که بر بانک‌ها و مؤسسات مالی وارد می‌شد، حداقل سرمایه مورد نیاز برای پوشش خطرات آن را پیشنهاد می‌نمود. این استاندارد که به اختصار بازل ۱ شناخته می‌شود، حداقل سرمایه مورد نیاز در مقابل دارایی‌های موزون به ریسک را معادل ۸ درصد تعیین نموده است. با توسعه استانداردهای مورد نظر، در بازل ۲ با لحاظ نمودن ریسک‌های بازاری و عملیاتی نسبت فوق افزایش یافته است. نکته‌ای که در ارتباط با تطبیق شرایط بانکداری اسلامی با مقررات کفایت سرمایه می‌تواند جالب توجه باشد وجود نوعی مکانیزم خودکار برای توسعه سرمایه بانک‌ها به موازی توسعه فعالیت آنهاست. بال ۳ که نخست در سال ۲۰۱۰ به تصویب رسید و در سال ۲۰۱۱ با اصلاحاتی تکمیل شد، ضمن

[1] Shari'a Standards for Islamic Financial Institutions

[2] Accounting, Auditing & Governance Standards for Islamic Financial Institutions.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

معرفی معیارها و الزامات جدید درباره ریسک نقدینگی و نسبت اهرمی بانک‌ها، استحکام مالی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری را در دوران رکود برای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مشخص ساخته است. مقررات بال ۳ در زمینه تأمین سرمایه بانک شرایط سخت‌تری برای کیفیت سرمایه در صورت کسر و انواع معیارهای معطوف به پوشش بهتر ریسک را از طریق کوچک کردن (کسر دارایی‌های ریسکی) مخرج کسر در نظر گرفته است. (پاشایی فام، ۱۳۹۱)

جدول ۲

ساختار اصلی نظام نظارتی بانکداری اسلامی در کشورهای مختلف

کشورها	ساختار نظارتی
بحرین	کنترل و نظارت توسط نماینده پولی بحرین انجام می‌گیرد- حوزه فعالیت نماینده مذکور شامل بانک‌های تجاری و بانک‌های سرمایه‌گذاری بوده و شرکت‌های بیمه زیر نظر مراجع مقرراتی جداگانه‌ای می‌باشند- الزامات سرمایه بازل و اصول مرکزی برای هر دو بانکداری اسلامی و متعارف (دوگانه) تطبیق داده می‌شود- شامل چهار گروه بانکداری اسلامی می‌باشند: بانک‌های تجاری اسلامی، بانک‌های سرمایه‌گذاری اسلامی، بانک‌های اسلامی خارج از کشور و گیشه‌های بانکداری اسلامی در بانک‌های متعارف-دارای نظارت یکپارچه و مطابق با استانداردهای حسابداری بین‌المللی می‌باشند- تمام بانک‌ها باید تمام استانداردهای حسابداری و نیز نظرهای رسمی هیئت شریعت سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسه‌های مالی اسلامی را رعایت کرده و به تأسیس کمیته‌ای مستقل به نام کمیته شرعی نظارت منطبق با این استانداردها اقدام کنند-
گامبیا	کنترل و نظارت توسط بانک مرکزی گامبیا صورت می‌گیرد- دارای قانون بانک‌داری اسلامی و سیستم دوگانه هستند- دارای هیات شریعت جداگانه- تطابق با الزامات سرمایه بازل، اصول مرکزی و استانداردهای حسابداری بین‌المللی چندان شفاف نمی‌باشد.
اندونزی	کنترل و نظارت توسط بانک مرکزی اندونزی صورت می‌گیرد و بانک مرکزی مقررات بانکداری اسلامی را بر اساس احکام و فتواهای صادره از سوی هیئت مالی شریعت، صادر می‌کند. دارای اعضای نظارتی جداگانه برای بانک‌ها و شرکت‌های اوراق بهادار- قانون بانکداری اسلامی جداگانه‌ای وجود ندارد و بانکداری اسلامی (شریعت) در قانون بانکداری کشور (قانون شماره ۱۰ سال ۱۹۹۸ و قانون شماره ۲۳ سال ۱۹۹۹) گنجانده شده است. دارای هیئت مالی شریعت جداگانه، مجوز گیشه‌های اسلامی و دارای نظارت یکپارچه هستند- تطبیق با الزامات سرمایه بازل، اصول مرکزی و استانداردهای حسابداری بین‌المللی- استراتژی توسعه صنعت بانکداری اسلامی از طریق دولت و ایجاد تحولات عمده مالی جهت قوی‌سازی سرمایه بانک‌ها و قابلیت پرداخت دیون.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

ایران	کنترل و نظارت توسط بانک مرکزی ایران صورت می‌گیرد- نظارت و مقررات بانک‌ها شدیداً تحت تأثیر سیاست‌های پولی و مالی دولت می‌باشد- اجرای نظام بانکداری یکپارچه تحت قانون بانکداری بدون ربا در سال ۱۹۸۳- روش‌های تأمین مالی (عقود) تحت این قانون تعریف شده است- تمایلات سیاسی اخیر در جهت تطبیق با استانداردهای نظارتی و سرمایه بازل و همچنین استانداردهای حسابداری بین‌المللی می‌باشد- هیأت شریعت برای تک‌تک بانک‌ها وجود ندارد- روش‌های نظارت درون و برون سازمانی و اهداف آنها تعریف و اجرایی است- بانک‌ها و شرکت‌های بیمه از طریق مراجع نظارتی مختلف دارای صلاحیت کنترل و نظارت می‌شود-
اردن	کنترل و نظارت توسط بانک مرکزی اردن صورت می‌گیرد- دارای اعضای نظارتی جداگانه برای بانک‌ها و شرکت‌های اوراق بهادار- دارای قانون بانک‌داری اسلامی و سیستم دوگانه هستند- دارای هیئت شریعت جداگانه و نظارت یکپارچه- مطابق با الزامات سرمایه بازل، اصول مرکزی و استانداردهای حسابداری بین‌المللی-
کویت	کنترل و نظارت توسط بانک مرکزی کویت صورت می‌گیرد- بانک مرکزی هر دو گروه از بانک‌های تجاری و سرمایه‌گذاری را کنترل و مدیریت می‌نماید- شرکت‌های بیمه، تحت نظارت و مقررات مراجع جداگانه‌ای هستند- دارای سیستم بانکداری دوگانه- مشتمل بر دو گروه بانکداری اسلامی: بانک‌های تجاری اسلامی و بانک‌های سرمایه‌گذاری اسلامی- بانک‌های متعارف اجازه داشتن گیشه‌های بانکداری اسلامی را ندارند- دارای نظارت یکپارچه و مطابق با الزامات سرمایه بازل، اصول مرکزی و استانداردهای حسابداری بین‌المللی- دارای قوانین بانکداری اسلامی با توجه به فعالیت‌های مطرح‌شده- دارای هیأت شریعت جداگانه برای هریک از بانک‌ها-
مالزی	کنترل و نظارت توسط بانک مرکزی مالزی صورت می‌گیرد- بانک‌ها و شرکت‌های بیمه تحت کنترل مراجع مشابهی بوده اما شرکت‌های اوراق بهادار تحت نظارت مراجع جداگانه‌ای می‌باشند- دارای بانک‌های خصوصی، نظام بانکداری دوگانه و گیشه‌های بانکداری اسلامی در بانک‌های متعارف- دارای نظارت یکپارچه و مطابق با الزامات سرمایه بازل، اصول مرکزی و استانداردهای حسابداری بین‌المللی- تطبیق با نظام رتبه‌بندی CAMELS- نظارت درون و برون سازمانی با اهداف شفاف تعریف شده و دارای هیئت‌های شریعت جداگانه برای نهادها در بانک مرکزی و کمیسیون اوراق بهادار و بورس- دارای بازار پولی اسلامی و ترتیبات نقدینگی- وزارت مالی نیز وابسته به نظارت بانک‌های اسلامی می‌باشد-
پاکستان	کنترل و نظارت توسط بانک مرکزی پاکستان صورت می‌گیرد- شرکت‌های اوراق بهادار و بورس و شرکت‌ها بیمه توسط اعضای نظارتی جداگانه‌ای کنترل می‌شوند- عمده بانک‌ها دولتی و مقررات و نظارت بانک‌ها تحت تأثیر سیاست‌های دولت می‌باشد- قانون بانکداری اسلامی و مفهومی به نام هیأت شریعت وجود ندارد اما قانون شرکت‌های مضاربه وجود دارد- مطابق با الزامات سرمایه بازل و استانداردهای نظارتی- ادغام بانک‌ها در جهت تقویت سرمایه‌گذاری مفهوم نظارت درون و برون سازمانی- عمده تحولات مالی توسط دیوان عالی کشور پاکستان جهت معرفی بانکداری و نظام مالی اسلامی انجام شده است (تأسیس کمیته تحولات خدمات مالی توسط بانک مرکزی)-
قطر	کنترل و نظارت توسط بانک مرکزی قطر صورت می‌گیرد- دارای بانکداری دوگانه و نظام مقرراتی جداگانه- عدم وجود قانون بانکداری اسلامی جداگانه- نظارت بانک‌های اسلامی از طریق دستورات ویژه بانک مرکزی- دارای هیأت شریعت جداگانه برای بانک‌ها- دارای استانداردسازی قوانین مربوط به شفافیت بانک‌های اسلامی

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

سودان	کنترل و نظارت توسط بانک مرکزی سودان صورت می‌گیرد- دارای نظام یکپارچه اسلامی و قانون بانکداری اسلامی- وجود هیئت‌های شریعت جداگانه برای هر یک از بانک‌ها و همچنین وجود یک هیأت نظارت شریعت در بانک مرکزی- کنترل قابل توجه بخش دولتی- نظارت و مقررات تحت تأثیر سیاست‌های دولت- تکامل ابزارهای مالی- عدم شفافیت در قبول استانداردهای کفایت سرمایه و نظارتی کمیته بازل- ادغام بانک‌ها در جهت تقویت سرمایه
ترکیه	قانون‌گذاری توسط بانک مرکزی ترکیه صورت می‌گیرد-بانک‌ها و شرکت‌های بورس توسط اعضای جداگانه‌ای کنترل می‌شوند- قوانین ویژه مالی، بانک‌های اسلامی را پوشش می‌دهند- دارای نظام دوگانه و عدم اجازه ایجاد گیشه‌های اسلامی- الزامات کفایت سرمایه کمیته بازل و استانداردهای نظارتی، به‌تازگی معرفی شده‌اند- تکامل عمده تحولات مالی- وجود مفاهیم نظارتی درون و برون سازمانی-
امارات متحده عربی	قانون‌گذاری توسط بانک مرکزی امارات صورت می‌گیرد- دارای قانون بانکداری اسلامی و نظام دوگانه- اجازه ایجاد گیشه‌های اسلامی و دارای هیأت شریعت جداگانه- از نظر الزامات کفایت سرمایه کمیته بازل، استانداردهای نظارتی و استانداردهای حسابداری بین‌المللی در جایگاه مناسبی قرار دارند-
یمن	قانون‌گذاری توسط بانک مرکزی یمن صورت می‌گیرد- دارای قانون بانکداری اسلامی و نظام دوگانه- دارای اجاره ایجاد گیشه‌های اسلامی و هیأت شریعت جداگانه- عمده سیاست‌ها و استانداردها توسط بانک مرکزی تنظیم و برای کلیه بانک‌ها قابل اجراست- اداره نظارتی جداگانه برای بانک‌های اسلامی در داخل بانک مرکزی وجود دارد- تطبیق با استانداردهای بازل چندان شفاف نمی‌باشد-

یادداشت. منبع: موسویان (۱۳۹۱) و compiled from web sites of respective central banks

اصولاً محاسبات سود و زیان در صورت‌های مالی یک بانک اسلامی به نحوی است که سهم وی از درآمدهای مشاع، به میزان منابع آورده شده از سوی بانک، ارتباط مستقیم دارد و هر چه سهم بانک از منابع کمتر باشد بدیهی است که مبلغ سود کمتری را بدست خواهد آورد. به عبارت دیگر به خاطر عدم قطعیت نرخ سودی که به سپرده‌گذاران داده می‌شود، بانک‌ها موظف‌اند در پایان سال مالی سود قطعی حاصل از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده (شامل وام نیز می‌شود) در طی سال را محاسبه و به سپرده‌گذاران پرداخت نمایند. در چنین شرایطی بانک برای بهره‌مندی از درآمدهای بهره‌ای حاصله مجبور است که به صورت متوازن سرمایه خود را نیز افزایش دهد تا بدین ترتیب منابع مالی خودش از سهم قابل قبولی برخوردار شده و از درآمد حاصله سهمی ببرد. در غیر اینصورت از سودی که بدست می‌آید جز یک کمیسیون (حق‌الوکاله) سهم زیادی نخواهند برد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد مکانیزم تقسیم سود میان بانک اسلامی و سپرده‌گذاران آن طوری طراحی شده

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

که به صورت خودکار بانک انگیزه افزایش سرمایه را در دوره‌های مختلف خواهد داشت و همین امر می‌تواند در نهایت باعث تأمین نسبت کفایت سرمایه شود.

جدول ۳

مقررات بال در ادوار مختلف

مقررات	سال شروع اجرا	ویژگی‌ها
بال ۱	۱۹۹۸	مقررات سرمایه، ریسک اعتباری
بال ۲	۲۰۰۴	مقررات سرمایه، نظارت، نظم بازار و شفافیت
بال ۳	۲۰۱۰	عمدتاً ناظر بر ممانعت از هم‌افزایی دوره‌ای (procyclicality) بانک‌ها، تأمین سرمایه حایل ضد دوره‌ای (countercyclical)، برخورد با ریسک‌های نظام یافته و مخاطرات دوران رکود، افزایش سرمایه حایل به مخرج کسر فرمول کفایت سرمایه

یادداشت.منبع: تحلیل نویسنده

با این وجود، کاربرد استانداردهای کفایت سرمایه بازل روندی را در برخی از بانک‌های اسلامی ایجاد کرده که منجر به تضعیف سرمایه‌هایشان شده است. در این میان سرمایه بانک جهت مدیریت سپرده‌های سرمایه‌گذاری با دو نوع ریسک اعتباری (امانتی)[1] و ریسک تجاری جابجا شده[2] روبرو می‌گردد. ریسک اعتباری در نتیجه بی‌توجهی و یا عملکرد نادرست در قراردادهای سپرده (مضاربه) به‌وجود می‌آید و سبب ایجاد عدم اطمینان سپرده‌گذاران از بانک و کاهش سپرده‌گذاری می‌گردد. ریسک تجاری نیز ناشی از عدم توانایی رقابت بانک با دیگر بانک‌های اسلامی و متعارف می‌باشد که در نتیجه یک نسبت خاص از سود منتسب به سهامداران ممکن است برای جلوگیری از برداشت این سپرده و در حالت افراطی ورشکسته شدن بانک، به سپرده‌گذاران سرمایه‌گذاری اختصاص یابد. از این‌رو، سازمان حسابرسی و حسابداری برای نهادهای مالی اسلامی (AAOIFI) طرحی برای تقسیم کردن ریسک بین سپرده‌گذاران سرمایه و سهامداران بانک پیشنهاد کرده است. (چپرا، ۲۰۰۱: صص ۴۴-۴۵) تأسیس استانداردهای کفایت سرمایه به وسیله این سازمان ممکن است برای ایجاد نکات قابل توجه زیر برای بانک‌های اسلامی مفید باشد:

[1] fiduciary risks

[2] displaced commercial risks

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

۱) توجه به استانداردهای بین‌المللی برای بانکداری ضروری است
۲) با وجود آنکه ماهیت تقسیم ریسک سپرده‌های سرمایه‌گذاری به‌گونه‌ای است که منجر به افزایش نظم بازار و بهبود وضعیت بانک می‌شود، اما نمی‌تواند پایه دائمی سهام بانک باشد. این سپرده‌ها بسته به میزان اعتماد سپرده‌گذاران بالا و پایین می‌شوند. در حالیکه سرمایه سهام دائماً در دسترس است. بنابراین کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی مهم است و این امر به عنوان یک پایه مستحکم، قدرت بانک را تضمین می‌کند.
۳) نسبت سپرده‌های تقاضا در برخی از بانک‌های اسلامی بسیار بزرگ‌تر از بانک‌های متعارف است. بانک‌ها این وجوه را بدون جایزه‌دادن به سپرده‌گذاران استفاده می‌کنند. لذا این امر برخی از محققان را تشویق کرده تا پیشنهاد دهند که بانک‌های اسلامی یا باید بازده را با سپرده‌گذاران تقاضا تقسیم کنند و یا تکیه آن‌ها را بر این سپرده‌ها کم کنند.
۴) بیشتر بانک‌های اسلامی نسبتاً کوچک هستند. لذا اندازه بانک نیز برای به کارگیری کفایت سرمایه مهم است.
۵) احتیاجات سرمایه به ریسکی بودن پرتفوی دیون و سرمایه‌گذاری‌های بانک بستگی دارد. هرچه عقود مبتنی بر مشارکت در سود و زیان ریسکی‌تر باشد، سرمایه بیشتری مورد نیاز است.
۶) کفایت سرمایه تحت تأثیر در دسترس بودن وثیقه و تسهیلات قانونی و میزان کارایی آنها نیز قرار می‌گیرد.
۷) میزان قدرت اقتصادی کشور یکی دیگر از عوامل احتیاجات سرمایه می‌باشد.
۸) ترازنامه و ریسک در میزان احتیاجات سرمایه مؤثر هستند.

از سوی دیگر، کمیته بازل در چارچوب جدید پیشنهادی خود مواردی را در نظر گرفته است که می‌تواند برای بانک‌های اسلامی نیز مناسب باشد. به‌طور کلی. این چارچوب بر سه پایه اصلی استوار است: ۱- کفایت سرمایه: احتیاجات سرمایه تعدیل شده ریسک با سه اختیار: روش مبتنی بر نرخ‌گذاری خارجی، داخلی و مبتنی بر مدل‌ها ۲ -بررسی نظارتی: ارزیابی جنبه‌های ریسک بانک‌های خصوصی، تعیین نیاز برای تعدیل مقیاس‌ها ۳ -نظم بازار: افزودن درجه شفافیت در بانک‌ها، گزارش‌دهی عمومی و دادن دید وسیع‌تر نسبت به کفایت سرمایه. در این میان، در بحث احتیاجات کفایت سرمایه بانک‌های اسلامی، رویکرد استاندارد شده مبتنی بر نرخ‌گذاری داخلی به دلیل توسعه شبکه مدیریت ریسک و فرهنگ آن و همچنین با توجه به تنوع ماهیت عقود مالی اسلامی، توسعه ناکافی در شبکه مدیریت

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

ریسک و نیاز به تقسیم ریسک از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد. لذا این امر ضرورت تخصیص منابع بیش‌تر در مدیریت ریسک بانک‌های اسلامی را دو چندان می‌کند. (همان)

۸ بررسی و تحلیل مدیریت ریسک در نظام بانکداری اسلامی

ماهیت ریسک در نظام بانکداری به دلیل عواملی از جمله تعداد و تنوع عملیات بانکی، ماهیت متفاوت این عملیات، وضعیت سرمایه بانک و محدودیت میزان آن، حفظ منافع سهامداران بانک و سپرده‌گذاران، وضعیت منابع سپرده‌گذاران و فراوانی آن و نبود تخصص کافی در زمینه‌های مدیریت منابع و ثبت عملیات زیاد مالی کاملاً متفاوت از ریسک در دیگر واحدهای اقتصادی است و تمام این موارد ضرورتاً ایجاب می‌کند که مدیریت ریسک در بانک‌ها حساس‌تر، پیچیده‌تر و مشکل‌تر از مدیریت ریسک در واحدهای دیگر اقتصادی باشد. مضافاً این‌که برخی ریسک‌ها خاص بانک‌ها بوده و در مورد سایر بنگاه‌ها موضوعیت ندارند. از سویی دیگر ویژگی اسلامی برخی از عملیات بانک‌های اسلامی مدیریت ریسک را در بانک‌های اسلامی با حساسیت و پیچیدگی بیشتری روبه‌رو کرده است.

در هر صورت، بروز ریسک در هر دو نظام بانکداری متعارف و اسلامی منجر به کاهش قدرت سودآوری بانک می‌گردد که در سه شکل سودآوری کمتر از هدف پیش‌بینی شده، از بین رفتن تمام سود پیش‌بینی شده و نهایتاً زیان نشان داده می‌شود. در این میان زیان، مخرب‌ترین اشکال ریسک است که می‌تواند موجب از بین رفتن بخشی یا تمام سرمایه بانک و یا حتی بخشی از سپرده‌ها و در شکل حاد تمام سپرده‌های بانکی شده و موجودیت بانک را با خطر مواجه کند. از این‌رو شناسایی ریسک‌ها در مرحله اول و سپس مدیریت آن به روشی نظام‌مند می‌تواند ابزاری برای ممانعت از بروز این رخدادهای نامطلوب باشد.

ریسک‌های اساسی بانکداری عبارتند از ریسک اعتباری، ریسک بازار و ریسک عملیاتی و هدف از مدیریت ریسک، حذف ریسک‌ها از فعالیت بانک نیست بلکه ایجاد تعادل بهینه میان ریسک و بازدهی است. معرفی انواع مختلف ریسک در نظام بانکی و روش‌های مدیریت آن در جدول ۴ ارائه شده است.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

جدول ۴

انواع مختلف ریسک در نظام بانکی و روش‌های مدیریت آن

انواع ریسک	روش‌های مدیریت
ریسک اعتباری	ریسک اعتباری در مورد اعطای تسهیلات و خرید و فروش‌ها بوده به طوری‌که احتمال عدم برگشت اصل و فرع تسهیلات اعطا شده و نیز احتمال زیان ناشی از مبادلات از لحاظ نوع کیفیت کالا، موارد مبادله، اطمینان و اعتبار طرفین مبادله می‌باشد. این ریسک زمانی ظهور می‌کند که وام‌گیرنده یا همتای بانک قادر به ایفای تعهد خود نباشد. ساختار مناسب وام‌دهی و احتیاط‌های لازم برای حفاظت از منافع وام‌دهندگان، استفاده از اوراق مالی مشتقه اعتباری[1] با قرارداد تسهیلات، بازنگری دوره‌ای به دارایی‌های بانک، مدیریت به‌موقع و آماده برای تغییر در ترکیب تسهیلات به علت اتفاقاتی که در بازار رخ می‌دهد یا گرفتن وثایق اضافی، باعث کاهش و کنترل ریسک اعتباری می‌شود. (سلیمانی، ۱۳۸۸)
ریسک بازار	ریسک بازار شامل تغییرات نرخ بهره، نرخ ارز، قیمت سهام و یا کالا می‌باشد. بانک‌ها به طرق مختلف با ریسک بازار مواجه می‌شوند. این ریسک ممکن است در پرتفوی اوراق بهادار (مانند اوراق قرضه یا اوراق بهادار مبتنی بر دارایی‌ها) و یا در ابزارهای مختلف (مانند نرخ بهره ابزار مشتقه و نرخ ارز قرارداد سلف) که برای اهداف معاملاتی یا سرمایه‌گذاری به‌کار می‌روند، وجود داشته باشد. بخش مدیریت ریسک بازار در بانک‌ها، وظیفه ارزیابی، آزمایش و تأیید ریسک‌های اعلام شده بازار شامل ریسک نرخ بهره، ریسک نرخ ارز، ریسک تعدیلات و ریسک جاری را بر عهده دارند. از این‌رو جهت مقابله با تغییرات نرخ ارز، نرخ بهره و تغییرات قیمت سهام و کالا به ترتیب از ابزار مشتقه نرخ ارز، بهره و ابزار مشتقه مانند شاخص سهام، معاملات آتی و سلف بر روی قیمت کالا استفاده می‌شود.
ریسک عملیاتی	مدیریت ریسک عملیاتی عبارت است از پوشش زیان‌های ناشی از قصور و عدم کارایی پرسنل (نیروی انسانی)، شکست تدابیر امنیتی، کنترل‌ها و تکنولوژی، زیان‌های ناشی از عدم آگاهی و یا عدم صحت اطلاعات، ارتباطات، ریسک اجرایی قراردادها و آئین‌نامه‌ها و ریسک اعتماد و اعتبار. مدیریت این ریسک بسیار پیچیده است و از جمله وظایف این بخش تمرکز کنترل در عملیات متقابل می‌باشد. این کنترل به این منظور می‌باشد که هیچ خدشه‌ای بر اطلاعات وارد نشود و از سویی دیگر از دسترسی اشخاص سوءاستفاده‌کننده ممانعت نماید. با توجه به پیچیده بودن ریسک عملیاتی، کمی کردن این ریسک کار دشواری است اما بانک‌ها می‌توانند برآوردی از ریسک عملیاتی را با توجه به گزارش‌های حسابرسی، گزارش‌های مدیران، برنامه کسب‌وکار و غیره داشته باشند. در این میان به‌کارگیری استانداردهای ارزیابی ریسک در حسابرسی یکی از عواملی است که می‌تواند در کاهش ریسک عملیاتی مؤثر باشد.
ریسک	ریسک نقدینگی عبارت است از عدم آمادگی بانک‌ها برای تأمین تسهیلات اعطایی یا پرداخت

[1] Credit Derivatives

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

نقدینگی	به‌موقع دیون بانک‌ها (سپرده‌ها). این ریسک با سایر ریسک‌های مالی مختلط است و به همین دلیل سنجش و کنترل آن با دشواری روبه‌رو است. علل پیدایش ریسک نقدینگی عبارت است از: ۱ـ خروج سپرده‌ها، ۲ـ قابلیت تبدیل دارایی‌های غیرنقد به نقد، ۳ـ حجم سرمایه‌گذاری‌ها و ۴ـ شکاف زمانی دارایی‌ها و بدهی‌ها. از این‌رو یکی از مهم‌ترین اصول مدیریت ریسک نقدینگی برآورد نیازهای نقد بانک در آینده است. این برآوردها می‌تواند بر مبنای سه روش زیر انجام گیرد: ۱) برآورد بر مبنای منابع و مصارف وجوه نقد ۲) برآورد بر مبنای ساختار دارایی‌ها و بدهی‌ها و سرعت تبدیل آنها به وجوه نقد ۳) برآورد بر مبنای شاخص‌های نقدینگی

یادداشت. منبع: تحلیل نویسنده

۱.۸ مدیریت ریسک در الگوی اسلامی

در مدیریت ریسک و بررسی عوامل بروز آن در مالیه اسلامی، مهم‌ترین اصل تقسیم سود و زیان حاصل از معامله و پرهیز از پرداخت ربا یا همان بهره پول است. علاوه بر این سپرده‌گذاران در بانک‌های اسلامی، همانند سهامداران بورس در ریسک و سود دریافتی حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها شریک می‌باشند. اگرچه ریسک سرمایه بانک‌های اسلامی به علت انتقال ریسک و سوخت شدن تسهیلات اعطا شده به سپرده‌گذاران به نسبت کاهش می‌یابد اما در عوض در مورد تسهیلات مشارکتی که در آن بانک‌ها در سود و زیان تسهیلات شریک‌اند ریسک بانک‌ها می‌تواند افزایش یابد.

به‌طور خلاصه عمومی‌ترین مفاهیم مورد استفاده بانکداری اسلامی شامل مضاربه (تقسیم سود)، ودیعه (به امانت گذاردن)، مشارکت (سرمایه‌گذاری مشترک)، مرابحه (قرارداد مبتنی بر قیمت تمام شده) و اجاره به شرط تملیک (لیزینگ) است. از جمله ریسک‌های خاص در بانک‌های اسلامی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

بانک‌های اسلامی جهت پرداخت نرخ بازده مناسب به دارندگان حساب‌های سرمایه‌گذاری تحت فشار هستند زیرا این نرخ باید به‌گونه‌ای باشد که انگیزه کافی برای سپرده‌گذاران جهت نگهداری سپرده‌هایشان در بانک‌ها ایجاد نماید. حال اگر این نرخ بالاتر از نرخ قابل پرداخت به قراردادهای سرمایه‌گذاری باشد، بانک ممکن است از برخی از منافع خود جهت حفظ منافع سهامداران چشم‌پوشی نماید. لذا کوتاهی و مسامحه در این امر و عدم مدیریت صحیح ممکن است به خروج سپرده‌ها از بانک منتهی شود که به‌دنبال خود موقعیت تجاری و رقابتی بانک را با خطر روبه‌رو خواهد کرد. این مسئله باعث ریسک کاهش

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

سپرده[۱] در بانک‌ها می‌شود. از سوی دیگر به دلیل اینکه در عقود مشارکتی، بانک اسلامی در سود تحقق یافته شریک می‌شود، پس برای افزایش سود حلال سعی می‌کند تأمین مالی پروژه‌های دارای بازدهی بالاتر را بر پروژه‌های دارای بازدهی پایین ترجیح دهد. در نتیجه هر گاه نرخ‌های بازدهی انتظاری طرح‌ها بر اساس اصول درست برآورد گردیده و با درنظرگرفتن ریسک همراه شود کاراتر بوده و به تخصیص بهینه منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در جامعه نزدیکتر می‌شود.

عقود اسلامی غیرمشارکتی اگرچه ریسک کمتری دربرداشته و در مقایسه با عقود مشارکتی شباهت بیشتری به تسهیلات مالی سنتی و مرسوم (در کشورهای غیراسلامی) دارند، اما این عقود نیز واجد ریسک می‌باشند که لازم است شناخته شوند. در ادامه جدول ۵ مهم‌ترین ریسک‌های مربوط به عقود مختلف (به تفکیک عقود اسلامی مبادله‌ای و مشارکتی) را جهت شناسایی هرچه بهتر ریسک‌هایی که نظام بانکداری اسلامی با آن روبرو است، نشان می‌دهد. (محرابی، ۱۳۹۰)

علاوه بر ریسک‌های خاصی که در بالا ذکر شد، عوامل و فاکتورهای عمومی دیگری هم وجود دارد که ریسک عملیاتی بانک‌های اسلامی را نسبت به بانک‌های سنتی بالاتر برده و سودآوری آنها را در مقایسه کاهش می‌دهد. از جمله این عوامل عبارتند از: کمبود ابزارها و روش‌های پوششی ریسک، بازارهای پولی و بین‌بانکی و بازار اوراق بهادار تکامل نیافته و یا فقدان آن دلیل این امر بروز مشکلات در طراحی ابزارهای کوتاه‌مدت تأمین مخارج عمومی دولت بر مبنای تقسیم سود و زیان (PLS) می‌باشد و محدودیت موجودی و دسترسی به تسهیلات بانک مرکزی به‌عنوان وام‌دهنده نهایی.[۲]

۹ جمع‌بندی و پیشنهادات

ویژگی‌های خاص بانک‌های اسلامی و ابزارهای متمایز آن در تأمین مالی نسبت به بانک‌های تجاری شرایطی را به‌وجود می‌آورد که در آن روش‌های اندازه‌گیری شبکه مالی بانک‌های

---

[۱] با حضور و ایجاد بانک‌های خصوصی در ایران این مسئله مشهود است. به‌طوریکه به علت کاهش کارایی در بانک‌های دولتی، سپرده‌گذاران، وجوه و سپرده‌های خود را به بانک‌های خصوصی که توانایی بهتری در مدیریت وجوه دارند، انتقال می‌دهند.

[2] Lender of Last Resort

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

جدول ۵

مهم‌ترین ریسک‌های مربوط به عقود مختلف اسلامی

عقود اسلامی	انواع ریسک‌ها
عقود مشارکتی	این گروه از معاملات ریسک‌های بالایی را به بانک اسلامی تحمیل می‌کنند. در قراردادهای مشارکتی به‌ویژه مضاربه و مشارکت مدنی، عدم پرداخت به‌موقع و کامل سهم سود بانک به‌وسیله شریک یا مضارب باعث ریسک اعتباری می‌شود. این مشکل نیز به‌علت مسئله اطلاعات نامتقارن برای بانک پدید می‌آید. در قرارداد مشارکت حقوقی، بانک‌ها می‌توانند سرمایه مورد نیاز بخش‌های گوناگون اقتصادی را از طریق خرید سهام تامین مالی کنند. لذا هرگونه نوسان قیمت سهام باعث افزایش *ریسک قیمت* برای بانک می‌شود. با توجه به ویژگی‌های خاص عقود مشارکتی و با عنایت به فقدان نظام پایدار و کنترل جامع در نظام بانکی، ریسک عملیاتی این عقدها به‌طور نسبی فراوان می‌باشد. علاوه بر این، یکی از ریسک‌های مترتب بر تسهیلات مشارکتی این است که مشارکت در برخی از فعالیت‌ها به مسدود شدن نقدینگی می‌انجامد و لذا گاهی مؤسسات مالی که سرمایه نقدی خود را به این‌گونه فعالیت‌ها اختصاص می‌دهند باید سال‌ها انتظار بکشند تا به سرمایه اولیه و سود مورد انتظار دست یابند. به عبارت دیگر مشارکت در پروژه‌های بلندمدت می تواند عاملی برای *ریسک نقدینگی* شود.
عقود مبادله‌ای	اگر چه با ریسک کمتری همراه هستند و در مقایسه با عقود مشارکتی شباهت بیشتری به تسهیلات مالی سنتی و مرسوم (درکشورهای غیراسلامی) دارند، لیکن ریسک‌های خاصی را به دنبال دارند و بانک‌ها را به علت نااطمینانی در پرداخت اصل و سود حاصل از دریافت تسهیلات به طور کامل و در موعد مقرر به وسیله فرد متقاضی، در معرض *ریسک اعتباری* قرار می‌دهند. دیگر ریسک‌های این گروه از ابزارهای تأمین مالی می‌توان به ریسک عدم تعدیل (فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک)، ریسک نقدینگی (سلف و جعاله) و ریسک قیمت (بازار) (سلف) اشاره نمود. در مرابحه نیز بانک با ریسک عدم تقارن مواجه می‌شود که در مقایسه با مضاربه از درجه ریسک‌پذیری کمتری برخوردار است.

یادداشت. منبع: محرابی، ۱۳۹۰

اسلامی را کاملاً با بانک‌های تجاری سنتی غربی از حیث رویارویی با چارچوب بازل متفاوت کرده است. به‌طوریکه، تلاش‌های مقامات نظارتی مسئول در بانکداری اسلامی، برای عمل‌کردن مطابق ویژگی‌های خاص بانک‌های اسلامی بسیار کم بوده است و این امر بر خط مشی بازاریابی و مالی بانک‌های اسلامی تأثیر گذاشته است. مقررات احتیاطی و نظارت مؤثر، کنترل‌های داخلی، مدیریت ریسک و حسابرسی خارجی، شفافیت و ایجاد شرکت‌های رتبه‌بندی اعتباری از مهم‌ترین چالش‌های نظام بانکداری اسلامی در بحث نظارت خارجی به شمار می‌رود. راهکارها و پیشنهادهای ذیل می‌تواند تا حدی در حل مشکل‌های فوق کمک شایان بکند:

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

- ایجاد الزام و تعهد در هر یک از بانک‌های اسلامی به منظور ایجاد یک شورای متخصص شریعت و کمیته‌های فقهی جهت نظارت بر تولیدات، روش‌های تأمین مالی و عملکرد بانک‌ها؛ البته گرچه ایجاد چنین شوراهایی در هر بانک هزینه‌بر است اما با توجه به تجارب سایر کشورها نباید تصور کرد که اقدامی نشدنی است. در این زمینه بایستی زمینه‌های قانونی آن از سوی بانک مرکزی فراهم گردد و در مرحله اول می‌توان از ایجاد چند شورا و یا کمیته فقهی بانک مرکزی و نظارت آنها بر چندین نهاد مالی بهره جست.
- تدوین هرچه بهتر آیین‌نامه‌های اجرایی بانک مرکزی جهت تشکیل شورای فقهی در نهادهای مالی اسلامی کشور که شامل نحوه انتخاب اعضا، چارچوب فعالیت، نحوه تدوین گزارش سالیانه در رابطه با عملکرد شرعی موسسه، اختیارات، وظایف، حقوق و تکالیف کمیته فقهی در مقابل هیئت مدیره، مجمع عمومی و سایر بخش‌های بانک و ابلاغ آن به بانک‌ها می‌باشد.
- تقویت و بهبود سطح مدیریت بانک‌ها به منظور ایجاد شورای شریعت و افزایش کارایی در عملکرد بانک‌ها. بدین منظور می‌توان سه روش را پیشنهاد نمود. اول اینکه بانک مرکزی خود مسئولیت حسابرسی شرعی عملیات بانک‌ها را جهت انطباق با قوانین ملی بانکداری کشور و استانداردهای حسابرسی بر عهده گیرد. پیشنهاد دوم ایجاد شرکت‌های (بنگاه) حسابرسی شرعی مستقل در بخش خصوصی است که این روش بر روش نخست رجحان دارد. آخرین پیشنهاد که نسبت به سایرین برتری بیشتری دارد؛ ایجاد شرکت‌های حسابرسی تخصصی به منظور دست‌یابی به مهارت‌های ضروری شریعت جهت مقابله با چالش‌های خاص بانک‌های اسلامی می‌باشد.
- از دیگر نیازهای ضروری، ایجاد دادگاه‌های شریعت و یا خاص بانکداری اسلامی به منظور اتخاذ تصمیم‌های فوری در ارتباط با مسایل شرعی پیش روی نظام بانکی (علی‌الخصوص ایجاد دادگاه‌هایی به منظور تسریع در رسیدگی و حکم جریمه تأخیر تأدیه و ...) است.
- راه‌اندازی برنامه‌های جامع آموزشی در هر بانک جهت دست‌یابی به نیروهای متخصص از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد.
- در ارتباط با چارچوب‌های بازل و نظارت خارجی نیز شایان ذکر است که استانداردهای بازل ۲ بیشترین تمرکز خود را بر روی کنترل و مدیریت ریسک و تعیین سه پایه اصلی کفایت سرمایه (احتیاجات سرمایه تعدیل شده ریسک با سه اختیار روش مبتنی بر نرخ‌گذاری خارجی، داخلی و مبتنی بر مدل‌ها، بررسی نظارتی (ارزیابی جنبه‌های

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

ریسک بانک‌های خصوصی، تعیین نیاز برای تعدیل مقیاس‌ها و نظم بازار (افزودن درجه شفافیت در بانک‌ها، گزارش‌دهی عمومی و دادن دید وسیع‌تر نسبت به کفایت سرمایه) گذاشته است. از این رو، بومی‌سازی استانداردها و نحوه به‌کارگیری آنها در نظام بانکداری اسلامی از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد.

کاربردهای چارچوب بازل در بانک‌های اسلامی

در انتقال وجوه، بانک‌های اسلامی به چهار منبع اصلی وجوه وابسته هستند. این منابع عبارتند از: وجوه صاحبان سهام، حساب‌های جاری، حساب‌های سرمایه‌گذاری و حساب‌های پس‌انداز. در بیش‌تر بانک‌های اسلامی حساب‌های سرمایه‌گذاری مشارکت در سود[1] معمولاً بزرگ‌ترین منبع وجوه را تشکیل می‌دهند. این حساب‌ها نه دین هستند و نه به عنوان وجوه سهم تلقی می‌شوند. بلکه، ابزارهای مالی هستند که به بانک‌های اسلامی این حق را می‌دهند که وجوه سپرده شده را در این حساب‌ها از طرف صاحبان آن‌ها براساس مشارکت در سود سرمایه‌گذاری کنند. لذا با توجه به آنکه یک نرخ از پیش تعیین شده را مانند سرمایه سهم پرداخت نمی‌کنند، بنابراین یک ریسک مالی برای بانک نیستند. در استفاده از وجوه نیز بانک‌های اسلامی بر ابزارهای مالی مختلف مشارکت در سود و زیان و مشارکت در سود (مضاربه) تمرکز دارند. دارندگان حساب‌های سرمایه‌گذاری مشارکت در سود بر عقد مضاربه مبتنی است لذا احتمال مواجهه با ریسک و ضرر ناشی از فعالیت‌ها وجود دارد و بنابراین ممکن است ارزش این حساب‌ها کاهش یابد. از این رو، برای مقابله با ریسک، برخی بانک‌های اسلامی صندوق ریسک سرمایه‌گذاری قرار داده‌اند. از این‌رو، با توجه به ویژگی‌های خاص نظام مالی اسلامی، اگرچه چارچوب ارائه شده توسط کمیته بازل می‌تواند برای بانک‌های اسلامی مناسب باشد اما به‌نظر می‌رسد چارچوب بازل در بعضی موارد تأثیر منفی بر روی بانک‌های اسلامی گذارد که در ادامه به کاربردهای آن خواهیم پرداخت.

پیشنهادات و سناریوهای مستخرج از چارچوب بازل در زمینه مقررات‌گذاری به‌شرح ذیل می‌باشند:

اول آنکه؛ این حساب‌ها به‌عنوان سرمایه هسته (Tier 1)، دارای دو ویژگی اصلی هستند:۱- جذب ضررهای عملیاتی و در عین‌حال توانمند ساختن بانک برای ماندن در فعالیت ۲ -توانمند ساختن بانک برای جذب ریسک‌ها و ایجاد تحول در طول عملیات خود.

[1] PSIAs

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

طبق این پیشنهاد PSIAs بایستی به اجزای سرمایه هسته اضافه شود. این سناریو به بانک‌ها کمک می‌کند که علاوه بر انطباق مقررات نسبت کفایت سرمایه، توانایی افزایش نرخ بازده صاحبان سهم بدون هیچ گونه ریسکی و بدون افزایش سرمایه سهم افزایش یابد. دوم؛ از آن جا که این حساب‌ها تنها متحمل سهم خودشان از ریسک می‌شوند، لذا باید از کل دارایی‌های وزن ریسکی کسر شوند. این کار به بانک‌ها کمک می‌کند تا دارایی‌های تخصیص یافته در یک وزن ریسک بالا جبران شود. این سناریو از یک طرف نیازهای سرمایه هسته (Tier 1) را طبق چارچوب بازل و بدون تعدیل تأمین می‌کند و از سوی دیگر شرایط را برای افزودن حساب‌های سرمایه‌گذاری مشارکت در سود به محاسبات نسبت کفایت سرمایه فراهم می‌کند و به بانک‌های اسلامی فرصت انتخاب خط مشی را می‌دهد که مطابق با مقررات نسبت کفایت سرمایه بوده و نرخ بازده صاحبان سهم را بدون ریسک افزایش می‌دهد.

سوم اینکه، اگر چه حساب‌های سرمایه‌گذاری مشارکت در سود در سودها و ضررهای بانک شریک است، اما یک جانشین کامل برای سرمایه سهم که دائماً در دسترس است، نیست. بنابراین این می‌تواند قابل بحث باشد که PSIAs باید با عناصر سرمایه Tier 2 طبقه‌بندی شود. البته باتوجه به چارچوب بازل، مجموع عناصر سرمایهTier 2 نباید از ۵۰ ٪ پایه سرمایه بانک تجاوز کند. این قید بدین معناست که تأمین مالی PSIAs ممکن است فقط در سرمایه Tier 2 استفاده شود تا حدی که کل سرمایه Tier 2 از کل سرمایه Tier 1 تجاوز نکند. درحقیقت در شرایطی که کل دیگر بخش‌های سرمایه Tier 2 مساوی کل سرمایه Tier 1 بوده، تأمین مالی PSIAs در محاسبات نسبت کفایت سرمایه لحاظ نمی‌شود. چهارم اینکه دروضع حاضر ویژگی‌های PSIAs نادیده گرفته می‌شود و چارچوب بازل بدون تعدیل اجزای سرمایه و یا کاستن از کل دارایی‌های با وزن ریسکی، به کار گرفته می‌شود. در این سناریو تأمین مالیPSIAs به ندرت می‌تواند به بانک‌های اسلامی که یک نسبت کفایت سرمایه زیر ۸ درصد دارند، کمک کند. بنابراین، همانند سناریوی سوم، برای بانک‌های اسلامی آسان نیست که سرمایه‌های خود را در دارایی‌های متمرکز کنند که وزن‌های ریسک پایینی دارند و به صاحبان آنها اجازه گرفتن منفعت از تأمین مالی PSIAs بالا بدهند.

علاوه بر موارد مذکور، دیگر جنبه‌های چارچوب بازل، که انتظار می‌رود تأثیر منفی روی بانک‌های اسلامی گذارد، عبارتست از :تخصیص وزن‌های ریسک به دارایی‌ها برای تدارک‌دیدن برای ریسک اعتباری. نظام بانکداری اسلامی قرض تولید نمی‌کند، بلکه ساختار دارایی‌های آن به‌گونه‌ای است که ابزار را از طریقی منعکس می‌کند که آن‌ها منابع خویش را

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

سرمایه‌گذاری می‌کنند. این کار معاملاتی را شامل می‌شود که از طریق مضاربه، سلف، استصناع، مشارکت، مرابحه و اجاره انجام می‌شود. لازم به ذکر است که به جز ابزارهای معاملات مرابحه و معاملات آینده سلف و استصناع هیچ یک از ابزارهای دیگر با مطالبه اعتبار (بستانکار) سر و کار ندارد. چنین شرایطی نارسایی برای بانک‌های اسلامی به‌شمار می‌رود. به عبارت دیگر، ماهیت ابزارهای مالی غیر از مرابحه، سلم و استصناع برای چارچوب بازل ساخته نشده است. از این‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که استراتژی‌های بازاریابی و مالی بانک‌های اسلامی، منجر به تعدیل سناریوها و پیشنهادات به وسیله مقامات مقررات‌گذاری می‌شود تا تأمین مالی از طریق مشارکت در سود و زیان به کار گرفته که از این طریق بالاترین نرخ بازدهی صاحبان سهام را بدون تحمل ریسک اضافه، ایجاد نمایند.

فهرست منابع

اسدی‌پور، نوشین (۱۳۸۸)، نظارت بر بانک‌ها و شیوه‌های اجرا، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.

امین‌آزاد، امیرحسین. (۱۳۹۱). نظارت بانکی: مبانی نظری، تاریخچه، اهداف و چالش‌ها. *نشریه تازه‌های اقتصاد*. شماره ۱۳۵.

امین‌آزاد، امیرحسین. (۱۳۹۰). چارچوب مقررات بانکی. نشریه تازه‌های اقتصاد. شماره ۱۳۲.

ابزارها و روش‌ها در مدیریت ریسک. (۱۳۸۵). *نشریه تازه‌های اقتصاد*. شماره ۱۱۲.

ابوالحسنی، اصغر و حسنی مقدم، رفیع (۱۳۸۷). بررسی انواع ریسک و روش‌های مدیریت آن در نظام بانکداری بدون ربای ایران، *مجله اقتصاد اسلامی*، شماره ۳۰.

اقبال طالقانی، حسین. (۱۳۸۵). عدم مشارکت در سود و زیان در بانکداری اسلامی؛ عدم توان در مدیریت و نظارت، *فصلنامه بیمه و توسعه*، شماره ۵.

ایلچی، محسن. نظارت بر بانک‌ها چگونه باید باشد، *نشریه بانک و اقتصاد*. شماره ۲۵.

پاشایی فام، رامین. (۱۳۹۱). بررسی نقش مقررات و کمیته بال در نظام بانکی کشور، مجموعه *مقالات بیست و سومین همایش بانکداری اسلامی*، تهران: مؤسسه عالی بانکداری

پیروزفر، اکبر. (۱۳۷۹). نظارت بر بانک‌ها در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران، *نشریه بانک و اقتصاد*. شماره ۱۱.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

دیوید اچ.پایل. (۱۹۹۷). تئوری مدیریت ریسک در بانک‌ها، ارائه شده در کنفرانس مالی با عنوان مدیریت ریسک و مقررات‌زدایی در سیستم بانکی. بانک رفاه.

رجبی، علی. (۱۳۸۹). کمیته نظارت بانکی بال و رهنمودهای آن. *ماهنامه بانک و اقتصاد*، شماره ۱۱۱.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

سلیمانی، مسعود. (۱۳۸۸). اهمیت مدیریت ریسک در بانکداری سنتی و الکترونیک، بانک ملی، اداره امور واحدهای خارج از کشور.
سیف، ولی‌الله. (۱۳۸۴). اهمیت و ضرورت اعمال نظارت احتیاطی در نظام بانکی. *نشریه دانش و پژوهش حسابداری*، شماره ۲
صدر، سیدکاظم. (۱۳۷۰). بررسی مشکلات ناشی از اجرای عقود اسلامی در عملکرد بانکداری بدون ربا، مجموعه *سخنرانی‌ها و مقالات سومین سمینار بانکداری اسلامی*. تهران: مؤسسه بانکداری ایران.
عقیلی کرمانی، پرویز. (۱۳۸۱). مدیریت ریسک در بانکداری سنتی در مقایسه با بانکداری بدون ربا، مجموعه *مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی*، تهران: مؤسسه عالی بانکداری
فرجی، شهرزاد (۱۳۸۸). تغییر در ساختار نظارت بانکی کشور (با نگرشی اجمالی بر تجربیات جهانی)، گزارش پژوهشی، اداره تحقیقات و کنترل ریسک؛ بانک سپه.
قاسمی، مجید. (۱۳۸۶). نظارت بانکی و راهکارهای مناسب برای کارآمدکردن آن. *نشریه بانک و اقتصاد*. شماره ۸۸.
کدخدایی، حسین. (۱۳۷۹). پدیده ریسک در بانکداری اسلامی، مجموعه *مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی*، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.
کردنوری، مجتبی. (۱۳۸۶). نظام راهبری مطلوب، ضامن کارایی نظارت بانکی است، *ماهنامه بانک و اقتصاد*، شماره ۸۸.
محرابی، لیلا (۱۳۹۰). مدیریت ریسک در نظام بانکداری بدون ربا، *نشریه تازه‌های اقتصاد*، شماره ۱۳۰.
موسویان، سیدعباس و دیگران (۱۳۹۱). تحلیل و مقایسه تجربه قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای بانکداری اسلامی در سایر کشورها :دلالت‌هایی برای نظام بانکداری بدون ربا در کشور، *مجله مطالعات اقتصاد اسلامی*، سال چهارم، شماره دوم، صص ۹۱-۵۳.
موسویان، سیدعباس و حسین میسمی (۱۳۹۳). نظارت شرعی بر بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا.
موسویان، سیدعباس و موسوی بیوکی، سید محمدمهدی (۱۳۸۸). مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی از طریق سوآپ نکول اعتباری، *مجله اقتصاد اسلامی*، شماره ۳۳.
مهدوی نجم‌آبادی، حسین. (۱۳۸۰). کاربرد نظارت در بانکداری اسلامی خصوصی، *مجله پیام بانک*، شماره ۲۹۵ و ۲۹۶
هدایتی، سید علی‌اصغر. (۱۳۷۴). نقدی بر مقررات ناظر بر نظام بانکی در تجربه جمهوری اسلامی، *نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۹۹ و ۱۰۰.
هروانی، حسین. (۱۳۸۸). چارچوب بازل و مباحثی پیرامون تنظیم و نظارت، *نشریه بورس*. شماره ۸۶.
AAOIFI (2010), Acounting, Auditing and Governance Standards for Islamic Financial Institutions, Bahrain: Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]

Adawiah, E. R (2007), Shariah Framework for Shariah Compliance Review, Audit & Governance, paper presented in workshop on shariah review, Audit & Governance for Islamic Financial Institutions on 30-31 Jan, Kuala Lumpur.

Basel Committee on Banking Supervision (2008), Principles for Sound Liquidity Risk Management and Supervision. Bank for International Settlements Press & Communications CH-4002 Basel, Switzerland.

Basel Committee on Banking Supervision (2010), Basel III: International Framework for Liquidity Risk Management, Standards and Monitoring.

core-banking.blogfa.com/post-23.aspx

Errico, Luca and Farahbaksh, Mitra (2001), Issues in Prudential Regulations and Supervision of Islamic Banks, review of Islamic Economics, No 10.

Idris, Rustam Mohammad (2000), Experience of Central Banks in Supervising Islamic Banks – the Experience of Malaysia, paper prepared for a Seminar on Islamic Financial Industry to be held in Alexandria, Egypt during November.

IFSB (2009), Guiding principles on Sharia governance system for institutions offering Islamic financial services, Kuala Lumpur: Islamic Financial Services Board.

Khan,T and Ahmed, H (2001), Risk Management: An Analysis of Issues in Islamic Financial Industry. Jaddah: IRTI.

Makiyan, Seyed Nezamuddin (2000), Risk Management and Challenges in Islamic Banks, Journal of Islamic Economics, Banking and Finance.

Mishkin, Frederic S. (1995), the Economics of Money, Banking and Financial Markets (New York, N.Y.: HarperCollins, 4th Ed).

Obaidullah, M (2002), Islamic Risk Management: Towards Greater Ethics and Efficiency, International Journal of Islamic Financial Services, vol. 04, No.3.

Umer Chapra, mamar; Khan; tariqullah (2001), Regulation And Supervision of Islamic bank, Islamic development Bank, Jeddah.

Zulkifli, H, (2010), Regulatory Framework of Shari'ah Governance System in Malaysia, GCC Countries and the UK, Kyoto, Bulletin of Islamic Area Studies, Vol.3.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-06]